

نفری یکصد تومان با مواجب پس افتاده‌شان بدهند بروند روسیه، اهل تبریز را
نفری بیست تومان، اهل رشت را نفری ده تومان، قزوین نفری پنج تومان با
مواجب پس افتاده...

شنبه ۲۲ صفرالمظفر ۱۳۲۸



به اسب و قاطر و الاغ و گاو... مالیات بسته‌اند و تنباکو، نمک، و
سایر حیوانات.

چهارشنبه ۲۶ صفرالمظفر ۱۳۲۸



چند روز قبل وزراء به ناصرالملک گفته بودند چرا کار قبول نمی‌کنی،
گفته بوده است به یک شرط که به من پول و قشون مرتب بدهید.

جمعه ۲۸ صفرالمظفر ۱۳۲۸



گفتند یک عده قشون زیادی از دولت روس تازه وارد آذربایجان شده‌اند.

پنجشنبه ۵ ربیع‌الاول ۱۳۲۸



توی خیابان نظامیه یک دکان چلوکبابی است، قرار داریم هر روز که
دور هم جمع می‌شویم، صاحب خانه یک تومان چلوکباب بفرستد بیاورند با
هم بخوریم، به شرط این که دیگر هیچ چیز تهیه نکنیم.

جمعه ۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۸



عمله جات غربی برای شاه معین کرده‌اند، تماماً جاهل یابی دین و لامذهب!

جمعه ۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۸



ضرغام السلطنه امروز به طور قهر رفته به اصفهان.

یکشنبه ۸ ربیع الاول ۱۳۲۸



(در حضرت عبدالعظیم)، آقا محمد مجاهد به منبر می رود و می گوید
جرا ضرغام السلطنه می خواهد برود نگذارید برود، آصف الدوله ولدالزناست،
آن کسی که آصف الدوله را می خواست حاکم بکند او هم ولدالزناست! پسر
صمصام السلطنه می خواسته تفنگ بکشد.

دوشنبه ۹ ربیع الاول ۱۳۲۸



وثوق الدوله از وزارت مالیه استعفا کرده، مشیرالدوله از دیوانخانه
عدلیه، صنعیه الدوله از وزارت فوائد عامه.

چهارشنبه ۱۱ ربیع الاول ۱۳۲۸



چند (روز است) در مسجد شیخ عبدالحسین دوباره چادر زده اند،
برای اینکه قشون روس در مملکت است عزا گرفته اند.

جمعه ۱۳ ربیع الاول ۱۳۲۸



حاجی محمد اسماعیل آقا معروف به مغازه، خودش را با تپانچه کشته است.

چهارشنبه ۱۸ ربیع الاول ۱۳۲۸



چند روز است عمل نان خیلی بد شده است، هر جا انبار باشد می روند
در می آورند.

پنجشنبه ۱۹ ربیع الاول ۱۳۲۸



غریب خان یاغی شد، بہ قدر چہار صد پانصد نفر از کھنہ دزدہای پاچہ ورمالیدہ اسفہان را دور خودش جمع کردہ، دور نیست کہ صولت الدولہ قشقائی ہم بہ حمایت او در آید.

جمعہ ۲۰ ربیع الاول ۱۳۲۸



دیروز در مجلس صحبت این بود کہ از مجاہدین و غیرہ سلب اسلحہ بکنند ولی قرار شدہ است جیب مردم را نگردند این کار را برای این کردہ اند کہ ستار خان و باقر خان کہ از تبریز می آیند، آدم ہایشان حمل اسلحہ نکنند.

یکشنبہ ۲۲ ربیع الاول ۱۳۲۸



(سلب اسلحہ) مشکل انجام می گیرد، برای این کہ مجاہدین تمام دلخوشی کہ دارند؛ بہ خودشان اسلحہ بند کردن است.

یکشنبہ ۲۲ ربیع الاول ۱۳۲۸



عمارت مسعودیہ یعنی خانہ ہای حضرت اقدس ظل السلطان را ہمدم السلطنہ عیال جلال الدولہ با ہرمز میرزا بہ شرکت بہ مبلغ پنجاہ ہزار تومان از ظل السلطان خریدہ اند.

سہشنبہ ۲۴ ربیع الاول ۱۳۲۸



ستارخان و باقرخان چند روز دیگر می آیند.

جمعہ ۲۷ ربیع الاول ۱۳۲۸



دیروز شاه تشریف بردند به فرح آباد، یک پلنگ هم زده است! دیگر معلوم نیست که کجا زده است؟

شنبه ۲۸ ربیع الاول ۱۳۲۸



مرتضی قلی خان پسر صمصام السلطنه وکیل تهران شده است.

یکشنبه ۲۹ ربیع الاول ۱۳۲۸



سپهدار تمارض کرده است، می گویند استعفا هم کرده است.

پنجشنبه ۳ ربیع الثانی ۱۳۲۸



ستارخان در هفت، هشت سال قبل پیش موثق الدوله بود، فراش بود؛ بعد با شاهزاده دارا که حاکم شاهرود بسطام شده بود رفته بود. بعد رفته بود تبریز آدم کشته بود! ولی الحق کمال رشادت را پارسال کرده بوده است که مافوقش متصور نیست!

پنجشنبه ۳ ربیع الثانی ۱۳۲۸



استقبال مردم طهران از سردار و سالار ملی:

در همان چادری که پارسال محمدعلی شاه تویش نشسته بود و ترتیبات جنگ با همین ستارخان را می داد، در همان نقطه برای ستارخان چادرزده بودند. ستارخان و باقرخان دو ساعت به غروب وارد شدند؛ ژاندرام زیادی سواره، بعد ژاندرام پیاده با موزیک، بعد یدک زیادی، آن وقت ستارخان و باقرخان سوار اسب سریراقی مرصع، ستارخان و باقرخان لباس مشکی ساده

پوشیده بودند. صورت‌هایشان به قدری میاه است مثل کاکاسیاه.

جمعه ۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸



بختیاری‌ها از این پذیرائی که مردم از ستارخان و باقرخان کرده‌اند اوقاتشان تلخ است، می‌گویند صمصام‌السلطنه هم فتح اصفهان را کرده پس چرا برای او هیچ تشریفاتی فراهم نکرده‌اند.

دوشنبه ۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸



مقصود سپهدار این است که در تمام کارها دخل و تصرف داشته باشد و مسئول هم نباشد، در واقع می‌خواهد یک صدراعظم بشود مثل دوره استبداد.

چهارشنبه ۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸



میانه وزراء سخت در گرفته است، تقی‌زاده سخت با حضرات زد و خورد می‌کند، گاهی نزدیک است استعمال اسلحه بکنند.

پنجشنبه ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸



رفتم منزل فرمانفرما، مهندس «لُکنت» آنجا بود، (فرمانفرما) می‌خواهد آسیاب‌فرنگی بیاورد که هم روزها آسیاب کار کند و هم شبها به قوه فشار آب چراغ الکتریک روشن کند.

سه‌شنبه ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸



گارد ملی فرستاده بودند برای شیراز، سر خود رفته (اند) سر نایب حسین، او هم رئیسشان را با چهار نفر کشته.

پنجشنبه ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۲۸



سپهدار با حاجی علیقلی خان کارهایشان را تغییر داده اند یعنی، سپهدار وزیر داخله و رئیس الوزراء شده است، حاجی علیقلی خان سردار اسعد، وزیر جنگ.

شنبه ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۲۸



رفتیم منزل حاجی علیقلی خان که سردار اسعد و وزیر جنگ باشد؛ مثل شاه جلوس فرموده بودند.

یکشنبه ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۸



سوار شده رفتیم پارک ظل السلطان پیش صارم الدوله، قدری صحبت کرده، پیانو زده، کسی هم آن جا بود که می خواند، بد نمی خواند. امروز هم در پارک اتابک جشن است، پول جمع می کنند برای مدرسه فرهنگ، شب هم تأثر در می آورند.

یکشنبه ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۸



امروز کار نان خیلی بد شده است.

دوشنبه ۲۱ ربیع الثانی ۱۳۲۸



چندی قبل آخوند ملا قربانعلی که (او را) فرستاده بودند عتبات،
مرحوم شده است، در آنجا ختم مفصلی گذارده مردم هیجان غریبی کرده بودند.

چهارشنبه ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۲۸



پادشاه انگلیس مرده، ادوارد هفتم هفتاد و چیزی عمرش بود.

شنبه ۲۶ ربیع الثانی ۱۳۲۸



ستارخان و باقر خان از خانه صاحب اختیار رفته اند، گفتند ستارخان
رفته است پارک مرحوم اتابک، باقر هم رفته است به عشرت آباد.

چهارشنبه نهم جمادی الاولی ۱۳۲۸



آدم‌های ستارخان و باقر خان اغلب با هم دعوا می‌کنند، با اهل شهر هم
که اغلب دعوا می‌کنند. ستارخان از نوکرهایش کم‌تر حمایت می‌کند ولی
باقرخان خیلی از نوکرهایش حمایت دارد.

چهارشنبه نهم جمادی الاولی ۱۳۲۸



در شهر تعدادی تفحص می‌کنند، در خانه‌ها می‌روند، اسم زن‌های
مردم را می‌پرسند، این کار هم اسباب هیجان مردم شد...

چهارشنبه نهم جمادی الاولی ۱۳۲۸



اجزلاء عدلیه را گفتند خیال تغییر دارند، خیلی کارهای بد در عدلیه
شده است که اگر بخواهم شرح بدهم مثنوی هفتاد من کاغذ شود.

جمعه ۳ جمادی الاولی ۱۳۲۸



امروز هم کارنان شهر خیلی مغشوش (بود)، اغلب خانه‌های رجال و غیررجال نان گیرشان نیامده است.

شنبه ۴ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸



از اخبارات تازه، استعفای وزرای تازه سپهدار است.

شنبه ۴ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸



یک ستاره دنباله‌دار چند شب است طرف مشرق پیدا شده است، روزنامه «ایران نو» شرحی نوشته بود که شب پنجشنبه دور نیست که یکسره تمام مخلوق (بمیرند). منجمین فرنگستان هم از این ستاره خیلی وحشت دارند، در واقع می‌گویند دنیا آخر خواهد شد.

شنبه ۴ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸



ده، دوازده شب قبل جمعی می‌روند به جمشیدآباد. سردار ظفر، امیر مکرّم، صارم الدوله، میرزا احمد خان، سردار محتشم، سردار محیی، چند نفر زن هم داشته‌اند، آخر شب که زن‌ها می‌خوابند هر یکی پیش یکی می‌رود، سردار محتشم و محیی بی‌زن مانده بودند، می‌خواست‌اند صارم الدوله و میرزا احمد خان را بکشند.

شنبه ۴ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸



امروز دختر اتابک را برای صارم الدوله بردند.

شنبه ۵ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸



بنا بود پانزده روز عدلیه را توقیف (تعطیل) بکنند تا برای عدلیه اجزائی معین بشود. اجزای عدلیه گفته‌اند اگر بخواهید عدلیه را توقیف نمائید ماها جنگ خواهیم کرد...

یکشنبه ۵ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸



فوج خلع هم دیروز با پلیس‌ها دعوا کرده بودند، پلیس‌ها سربازها را زده بودند، آنها هم آمده بودند در دیوانخانه تخت مرمر، پسر دیوانه شیخ فضل‌الله هم در دیوانخانه عدلیه خیلی به سپهدار رشتی فحش داده بود...

یکشنبه ۵ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸



رفتم مجلس پیش مستشارالدوله رئیس (مجلس)، عمارت مجلس را بسیار خوب درست کرده (اند)، خیلی عالی است.

چهارشنبه ۸ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸



امشب خیلی مردم متوحش هستند برای تصادف ستاره (دنباله‌دار) با کره زمین. باری خداوند خودش ارحم الراحمین است.

چهارشنبه ۸ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸



نصرت‌الدوله پسر فرمانفرما که در پاریس است از طرف دولت ایران با ممتازالسلطنه مأمور شده‌اند بروند لندن برای تسلیم پادشاه انگلیس.

پنجشنبه ۹ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸



آقا نجفی گفته است به موجب قانون اساسی مجلس هیچ ترتیبی را
بی حضور سه چهار نفر مجتهد نمی تواند اجرا کند، این مسئله بسیار مهم است.
پنجشنبه ۹ جمادی الاولی ۱۳۲۸



چند شب است در منزل من شب نامه می اندازند، به حضرت اقدس
(کامران میرزا نایب السلطنه) و من بد می گویند و تهدید می کنند.
شنبه ۱۱ جمادی الاولی ۱۳۲۸



سربازها را روزها می برند در کابینه وزارت جنگ، یک کمیسیونی
تشکیل داده اند، آنجا سربازها را لخت می کنند، بدنشان را می بینند، حتی
عورتشان را هم باز کرده نگاه می کنند، برای این، سربازها به صدا در آمده اند...
شنبه ۱۱ جمادی الاولی ۱۳۲۸



اخبار تازه: سردار منصور وزیر عدلیه شده، معتمد الخاقان وزیر پست
و تلگراف، مشیرالدوله وزیر تجارت...
یکشنبه ۱۲ جمادی الاولی ۱۳۲۸



رفتم خانه آقای سید عبدالله، روضه، امروز روضه اش را زود ختم کرده
بود چون؛ زن ها دادو بیداد کرده بودند که نان گیرمان نمی آید، در خانه هایمان
اسمان را می پرسند، کاشی در خانه هایمان می چسبانند و یکی یک قران پول
ازمان می گیرند، خاک بر سرشان ریخته بودند...

دوشنبه ۱۳ جمادی الاولی ۱۳۲۸



روزنامه شرق را گفتند توقیف کرده‌اند، جرائد هم جزء وزارت داخله شده است، روزنامه ایران نو هم گفتند امروز بعضی مقاله‌های بد نوشته.

سه‌شنبه ۱۴ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸

□□□

دیشب یک ساعت و نیم از شب گذشته، امین‌الملک را کشته‌اند.

یکشنبه ۱۹ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸

□□□

تفصیل کشتن امین‌الملک از این قرار است...

یکشنبه ۱۹ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸

□□□

میانه ایل بختیاری با امیر مفخم و یوسف خان امیر مجاهد که برادر حاجی علیقلی خان باشد بر هم خورده.

یکشنبه ۱۹ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸

□□□

از این اتفاقی که برای امین‌الملک (افتاده)، مردم متوحش هستند، اعیان خیلی می‌ترسند.

دوشنبه ۲۰ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸

□□□

کار خمسه خیلی اهمیت پیدا کرده است، وزیر اکرم که آصف‌الدوله شده است، در زنجان است، گویا محاصره باشد؛ اهل شهر برای آخوند ملاقربانعلی مرحوم ختم گذارده بودند، آصف‌الدوله مانع شده، چند نفر را گرفته... زنجان بلوا شده است.

سه‌شنبه ۲۱ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸

□□□

داراب میرزا و بهرام میرزا پسر(های) بهمین میرزا که در روسیه صاحب منصب بوده‌اند زنجان را محاصره کرده‌اند و می‌گویند «سلطنت حق ماست». یاغی شده‌اند...

چهارشنبه ۲۲ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸



سوار شده رفتم به زرگنده، وزیر مختار (روس) رفته بود به شهر. «بارونوفسکی» در دفتر سفارت بود، می‌گفت؛ در روزنامه اسم شما را دیدم احتیاط خودتان را داشته باشید.

پنجشنبه ۲۳ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸



«بارونوفسکی» می‌گفت: خیال داریم ماقشون خودمان را از ایران برداریم و بگذاریم هر طور می‌شود بشود! تا مردم قدر ما را بدانند، خون ایرانی‌ها زیاد شده است...

پنجشنبه ۲۳ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸



وزراء استعفا کرده، سپهدار هم در شمیران است.

پنجشنبه ۲۳ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸



نیش قبر میرزا کریم آقا وکیل آذربایجان

جمعه ۲۴ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸



امروز هر چه ناصرالملک خواسته بوده است سپهدار (را) راضی بکند

بروند پیش عضدالملک و دَرِ خانه، راضی نشده بوده است، در واقع استعفا کرده است.

شنبه ۲۵ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸



نایب حسین کاشانی، هر جای نابدتر مجاهدین را پاره کرده، رفته به شهر کاشان، حاکم را بیرون کرده، خودش به جای حاکم نشسته.

شنبه ۲۵ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸



دستگیری داراب میرزا و بهرام میرزا توسط روس.

شنبه ۲۵ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸



سفیر کبیر عثمانی آمده مدتی در حضور مبارک بوده، بسیار آمد معقول و مؤدبی است. در عهد شاه شهید هم طهران بود.

دوشنبه ۲۷ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸



امروز در انجمن احرار، باقر خان نطق کرده بود که چند نفر هستند که مغل وزراء و کابینه وزراء هستند و فساد می‌کنند.

دوشنبه ۲۷ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸



درگذشت آقا سید ریحان‌الله...

پنجشنبه غره جمادی‌الآخری ۱۳۲۸



ستارخان و باقرخان (باهم) خوب نیستند.

پنجشنبه نهم جمادی الآخری ۱۳۲۸



دسته سپهدار باده‌سته تقی‌زاده سخت طرف هستند. او هم از میدان در نمی‌رود.

پنجشنبه نهم جمادی الآخری ۱۳۲۸



مجاهدین با خودشان باز اسلحه بر می‌دارند.

پنجشنبه نهم جمادی الآخری ۱۳۲۸



امروز روزنامه «وقت» خیلی به بختیاری تاخت آورده بود از قول سالار

ملی، چون سالار ملی با بختیاری (ها) خوب نیست.

دوشنبه ۵ جمادی الآخری ۱۳۲۸



در مازندران (مردم) یک رعیت روس را از حبس بیرون کشیده به

دارش زده‌اند.

سه‌شنبه ۶ جمادی الآخری ۱۳۲۸



میانہ حضرات بختیاری‌ها با باقرخان سالار ملی و پارتی‌های تقی‌زاده

خیلی سخت در گرفته است،...

سه‌شنبه ۶ جمادی الآخری ۱۳۲۸



باقرخان سالار ملی خیلی سخت ایستادگی دارد که چند نفر از وکلای

که مفسد هستند نباشند.

سه‌شنبه ۶ جمادی‌الآخری ۱۳۲۸

□□□

قزاق زیادی از روس‌ها آمده‌اند مازندران و حاکم را محصور کرده،
خودشان مشغول حکومت هستند.

چهارشنبه ۷ جمادی‌الآخری ۱۳۲۸

□□□

درگیری قزاق‌های روس با مردم تبریز.

شنبه ۱۰ جمادی‌الآخری ۱۳۲۸

□□□

سیصد شتر زین دار و مشکوک که ناگهان ناپدید شدند!

یکشنبه ۱۱ جمادی‌الآخری ۱۳۲۸

□□□

قزاق‌ها مدتی است رفته‌اند به اردوی قصر قجر و تمام ساهورهای
عباس‌آباد را بیریق زده، برای قزاق‌خانه حدود معین کرده‌اند. مردم متوحش هستند.

یکشنبه ۱۱ جمادی‌الآخری ۱۳۲۸

□□□

هیجان عموم برای بیرون کردن قشون روس.

من این (تحریکات) را از روس می‌دانم، تمام مردم را به هم می‌ریزند
که به تمام مردم بنمایانند که این نظم به واسطه قشون ما بوده، وقتی کشت و
کشتار زیادی شد آن وقت هر کار دلشان بخواهد می‌کنند.

یکشنبه ۱۱ جمادی‌الآخری ۱۳۲۸

□□□

عمارت توپخانه را که محل نظمیّه است برای ورود پیرم آئین بسته،
طاق نصرت درست کرده‌اند.

دوشنبه ۱۲ جمادی‌الآخری ۱۳۲۸

□□□

سالگرد صدور دستخط مشروطیت.

چهارشنبه ۱۴ جمادی‌الآخری ۱۳۲۸

□□□

شهرتی پیدا کرده بود که قائم مقام حال جنوبی پیدا کرده، ولی حالش خوب بود!

جمعه ۱۶ جمادی‌الآخری ۱۳۲۸

□□□

پیرم و سردار بهارد سوار بر اسب‌های شاهی، با یدک و موزیک و
تشریفات هر چه تمام‌تر وارد شدند.

جمعه ۲۳ جمادی‌الآخری ۱۳۲۸

□□□

امیراعظم در استرآباد (توسط) ترکمن‌ها در محاصره است، خیلی خطرناک:

شنبه ۲۴ جمادی‌الآخری ۱۳۲۸

□□□

مقصرین پلتیکی با وساطت آخون ملامحمد کاظم مرخص شده‌اند.

شنبه ۲۴ جمادی‌الآخری ۱۳۲۸

□□□

امین‌الحرم دیروز مرحوم شده و حال اینکه خیلی اظهار افلاس

می کرده، مبلغی پول زرد داشته...

شنبه ۲۴ جمادی الآخری ۱۳۲۸

□□□

آقاسید عبدالله مجتهد را کشته اند... آقا را با «موزر» می زنند چهار تا گلوله تا هیجده تیر می گویند به او زده اند...

شنبه ۹ رجب المرجب ۱۳۲۸

□□□

اغلب مسجدها می خواستند ختم بگذارند مردم مانع شده اند که تا قائل را به دست ما ندهید بازارها را باز نمی کنیم.

حاجی محمد تقی «بنکدار» گفته بوده است؛ ای مردم! اول تکلیفتان را معلوم بکنید بعد، من یک ماه ختم می گذارم.

شنبه ۹ رجب المرجب ۱۳۲۸

□□□

دیشب در قلعه رفته بودند خانه ممتازالدوله که او را بکشند.

دوشنبه ۱۱ رجب المرجب ۱۳۲۸

□□□

هر طرف سپهدار حرکت می کرد، مجاهدین تنکابنی و قفقازی مثل نگین انگشتر دورش راداشتند، طوری می پائیدند که اسباب وحشت من شده بود.

سه شنبه ۱۲ رجب المرجب ۱۳۲۸

□□□

وزراء هنوز نامعلوم، فقط رئیس الوزراء معلوم شده است که مستوفی الممالک است.

سه شنبه ۱۲ رجب المرجب ۱۳۲۸

□□□

باقرخان سالارملی (در مسجد مروی) نطق کرده بود که؛ این چه وضعی است تا قاتل را نگیریم و به دارش نزنیم ولکن معامله نیستیم.

سه‌شنبه ۱۲ رجب‌المرجب ۱۳۲۸



دسته سپهدار (ترور آقا سید عبدالله) را به گردن تقی‌زاده می‌گذارند.

سه‌شنبه ۱۲ رجب‌المرجب ۱۳۲۸



از نجف اشرف از آخوند ملا محمد کاظم خراسانی کاغذ آمده که تقی‌زاده، حسینقلی خان نواب، حکیم الملک و فهیم الملک که عقیده صحیح ندارند و مذهب ندارند، نبایست در مجلس باشند.

سه‌شنبه ۱۲ رجب‌المرجب ۱۳۲۸



پیرم هم رفته بود مسجد شاه و مسجد مروی و گفته بوده است که آسوده باشید، قاتل را پیدا خواهم کرد.

سه‌شنبه ۱۲ رجب‌المرجب ۱۳۲۸



سپهداربه قدری خوف دارد که صد مراتب از آخرهای محمدعلی شاه بدتر!

سه‌شنبه ۱۲ رجب‌المرجب ۱۳۲۸



هنوز بازارها بسته است و مردم در هیجان هستند. عضدالملک نمک خورده بوده و حاضر نبوده است. از بس که در این مدت به این مملکت تفرط کرده‌اند دیگر خوب است این قدر مهمل میل نفرمایند.

چهارشنبه ۱۲ رجب‌المرجب ۱۳۲۸



رفتم سفارت عثمانی، امروز عید ملی‌شان است یعنی روزی که مشروطه شده‌اند، اسم سفیر «حسبه بیک» است، بسیار آدم متعارف معقول خوبی است. در سفر سوم شاه شهید که من در رکاب بودم این سفیر در انگلیس ژنرال کنسول بود.

شنبه ۱۶ رجب‌المرجب ۱۳۲۸

□□□

هنوز وزراء نامعلوم‌اند، بازارها را باز کرده‌اند، گفتند؛ روس‌ها گفته بوده‌اند که اگر دکان را باز نکنید و شهر را امن نکنید، لابد می‌شویم قشون بیارویم و شهر را امن بکنیم.

شنبه ۱۶ رجب‌المرجب ۱۳۲۸

□□□

وزراء را امروز معلوم کرده‌اند؛ مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء ولی هیچ مسئولیت (دیگر) قبول نکرده، فرمانفرمای احمق وزیر داخله، قوام‌السلطنه وزیر جنگ با استقلال!...

دوشنبه ۱۸ رجب‌المرجب ۱۳۲۸

□□□

حاجی علیقلی خان با پسرش سردار بهادر، آنچه در این سفر تبریز پول، تفنگ، اسباب نقره و طلا جمع کرده و غارت کرده بوده‌اند که تا صد هزار تومان کم‌تر، یا بیشتر می‌گویند، رو به بختیاری فرستاده بود؛ به قولی نایب حسین کاشی و به قولی غریب خان، بختیاری‌هایی را که این مال را می‌بردند کشته اموال را ضبط کرده‌اند.

دوشنبه ۱۸ رجب‌المرجب ۱۳۲۸

□□□

سیل مهیب و عجیب در طهران.

پنجشنبه ۲۱ رجب المرجب ۱۳۲۸



شبهای جمعه از هر محله یک دسته سینه زن با علامت راه می افتند و نوحه آقا سید عبدالله را می خوانند و سینه می زنند و مردم را به هیجان می آورند.

شنبه ۲۳ رجب المرجب ۱۳۲۸



رفتم منزل سردار منصور؛ سپهدار، سردار محیی آنجا بودند گاهی از شهر مفسدین می آمدند، هر چه مفسد است با جناب ایشان دم خور است! خداوند انشاءالله ایران و ایرانیان را از شر فسادهای حضرت سردار منصور حفظ فرماید که منزل این مرد اوضاع غریبی است! اشخاص عجیب در این جا دیده می شوند.

یکشنبه ۲۴ رجب المرجب ۱۳۲۸



دیروز نزدیک چهار راه مخبرالدوله برای فرمانفرما تفنگ انداخته اند.

یکشنبه ۲۴ رجب المرجب ۱۳۲۸



امروز شهر بر هم خورد! طرف عصر در خیابان لاله زار میرزا علی محمد خان برادر زن تقی زاده را کشتند...

دوشنبه ۲۵ رجب المرجب ۱۳۲۸



«رضاف» نامی را که سر کرده یک دسته مجاهد بود، او را هم کشته اند،